

نقش مسجد در سازمان و اجتماع محله‌ای

دکتر مسعود مظاهری

چکیده

تا سه دهه‌ی پیش، در بیشتر شهرها، محلات اعتبار خاصی در برقراری ارتباطات اجتماعی داشتند. این در حالی است که طی سه دهه‌ی اخیر، محلات شهری به صورت جزیره‌هایی در دریای فرهنگ ملی جامع و خرده‌فرهنگ‌های شهری درآمده‌اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی از اعتبار محلات به‌عنوان عاملی مهم در زندگی اجتماعی افراد کاسته است. جوامع غربی و صنعتی از اماکن مذهبی، نظیر کلیسا، فقط جهت کسب خشنودی خدا استفاده می‌کنند و فقط به جنبه‌های فردی مذهب و دین باور دارند. از این رو تفرقه، نفاق، انزوا و حضور نیافتن در اجتماعات (به‌ویژه اجتماعات محله‌ای) زندگی بشر غربی و صنعتی را فرا گرفته است. در مقابل، تأسیس مسجد در محله‌ها و شهرهای اسلامی باعث تشکیل و انسجام اجتماعات محله‌ای و شهری شده است؛ زیرا مسجد فقط مکانی برای انجام فریضه‌ی نماز و دیگر مراسم مذهبی نیست و به‌عنوان کانون اجتماعات محله‌ای و شهری، همواره نقشی مهم در غنای این اجتماعات ایفا کرده است. در این مقاله، با بررسی عملکرد اجتماعی مسجد با وجود گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرها و صنعتی شدن مراکز و محلات شهری و کم‌رنگ‌تر شدن ارتباطات اجتماعی، نقش مسجد را در توسعه و رشد مادی و معنوی جامعه بررسی می‌کنیم. مطالعه‌ی حاضر پژوهشی است توصیفی و در آن علاوه بر مطالعه‌ی اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، از شیوه‌ی مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز استفاده شده است.

واژگان کلیدی: خرده‌فرهنگ‌ها، اجتماع محله‌ای، هدف‌گذاری جمعی، خودیاری و تعاون.

حوزه‌های اجتماعی شهرها

در گذشته، به حوزه‌های اجتماعی در شهرها حوزه‌های طبیعی می‌گفتند و آن‌ها را این‌گونه تعریف می‌کردند: حوزه‌ی طبیعی در شهرها حوزه‌ای جغرافیایی است که مشخصات طبیعی محل و خصیصه‌های

فرهنگی مردم آن را از سایر بخش‌های شهری کاملاً تمیز می‌دهند.^۱ طبق این تعریف، حوزه‌های طبیعی عبارت است از مکانی جغرافیایی در داخل شهرها که ساکنان آن از خصلت‌های فرهنگی و روابط اجتماعی خاصی تبعیت می‌کنند. درحقیقت، هدف از طرح حوزه‌های اجتماعی در شهرها شناخت محلات و مناطق شهری با شاخص‌های انتخابی است تا بتوان هنگام برنامه‌ریزی شهری از واقعیت‌های اجتماعی این حوزه‌ها بهره‌مند شد.

پیشگامان مکتب اکولوژی شهری، که حوزه‌های طبیعی را داخل شهرها مطرح می‌کردند، بر این باور بودند که در دنیای طبیعت و حوزه‌های طبیعی، جنگل‌ها، صحراها، دشت‌ها و کوه‌ها، با بومی طبیعی گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی را عرضه می‌کنند. جامعه‌ی بشری نیز این گونه عمل می‌کند. در این جامعه، به دلیل رقابت، گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به‌وجود آمده است و ناگزیر به جدایی‌گزینی اکولوژیکی انجامیده است. در نتیجه، حوزه‌های اجتماعی در داخل شهرها از عده‌ای خانواده‌های شهری تشکیل می‌گردد که در حوزه‌ی جغرافیایی محله یا منطقه‌ای کاملاً معین، با مرزهای مشخص، زندگی می‌کنند. این عده پایگاه اجتماعی - اقتصادی مشترکی دارند.

محلات به‌عنوان حوزه‌های خرد اجتماعی

در ساده‌ترین تعریف، محله از خانه‌های مجاور هم در فضای جغرافیایی خاصی تشکیل می‌شود. خانواده‌ها به محله‌ی خود همان احساس خانه‌ی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در محیطی آشنا و خودی، مثل خانه، می‌بینند. محله از تجمع، پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط مستحکم همسایگی و اتحاد غیررسمی گروهی از مردم به‌وجود می‌آید. برای تشکیل محله‌ای شهری این شرایط لازم هستند:

۱. داشتن حوزه‌ای جغرافیایی از شهر با وسعت کم یا زیاد؛

۲. پیدایش و تکوین اجتماعی کوچک از گروهی از مردم شهر؛

۳. وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم.^۲

در محلات، به افرادی که در خانه‌ی مجاور هم زندگی می‌کنند همسایه می‌گویند. در محلات شهری، ارتباط و همیاری همسایگان هنگام نیاز و بحران بیشتر می‌شود. مراسم تدفین، جمع‌آوری اعانه،

^۱. لنکستر، جونز، ابعاد ساختار اجتماعی شهری، دانشگاه تورنتو.

^۲. تامیلسون، والف، ساختار شهری، ص ۱۸۱.

آتش سوزی و نبود امنیت از آن جمله است. میزان وابستگی و ارتباط همسایگان در روستاها بیش از شهرهاست. با توجه به کیفیت کار در روستاها، همیاری همسایگان بیشتر شدت می یابد؛ تا آنجا که نگهداری کودکان بی سرپرست و بی مادر را معمولاً همسایگان برعهده می گیرند. در محلات قدیمی، به ویژه محلات طبقه ی کم درآمد، ارتباط همسایگان مانند روستا نیست؛ اما با تعاون و همیاری بیشتری همراه است.

در محلات، همسایگان از طریق مراکز مذهبی و عبادتگاهها با هم ارتباط برقرار می کنند؛ نظیر مسجدها، تکیه ها یا مکان هایی مثل باشگاه های ورزشی و قهوه خانه ها. معمولاً در محلات شهری، کیفیت واحدهای فیزیکی (محله) منطبق بر رفتار اجتماعی است. از این رو، هر محله ای مشخصاتی متمایز با سایر محلات دارد. از طرفی، هر محله ای منطقه ای نفوذی دارد که در آن مغازه ها، مدارس، مراکز مذهبی، مساجد و ... قرار دارند و مردم محله می توانند به آسانی از آن ها بهره ببرند. حضور در مؤسسه های محله (نظیر مراکز مذهبی، مساجد، مدارس و...) به مردم این امکان را می دهد تا خود را در محدوده ای کاملاً مقید احساس کنند و تعلق بیشتری به محله ای مسکونی پیدا کنند. در نتیجه، محله هم واحدی فیزیکی و هم واحدی اجتماعی است. در میزان احساس محله ای، عامل وسعت نقشی اساسی دارد. هر اندازه سهولت دسترسی به مؤسسه های عمومی و تجهیزات محله ای بیشتر باشد، احساس تعلق فرد به محل و اجتماع محله ای افزایش می یابد. در مقابل، هر اندازه دسترسی به نیازهای روزانه و تجهیزات شهری سخت تر باشد، احساس محله ای کاهش می یابد.^۳

به نظر عده ای، در برنامه ریزی های جدید لازم است روی پیوند طبقات شهری و گروه های قومی و مذهبی بسیار تأکید شود تا بیگانگی و اضطراب دائمی زندگی شهری در مردم کاهش یابد. این عده معتقدند، ترکیب طبقات مختلف در محلات سبب تقویت روابط اجتماعی- انسانی و کاهش محدودیت های میان ساکنان شهرها می شود. این طرز تلقی در خصوص گروه های قومی و مذهبی گوناگون در محله، فکر اعمال تبعیض نژادی و مذهبی و همچنین پیش داوری درباره ی این گروه ها را ضعیف می کند. محلات نه تنها از نظر اجتماعی، بلکه از نظر فرهنگ پذیری و انتقال فرهنگی نیز مهم هستند. به عبارتی، احتمالاً پدیده ی اجتماع محله ای و ترکیب اجتماعی موجود در آن، که برخی برنامه ریزان شهری به آن معتقدند، از زندگی روستایی متأثر شده است که غنی و فقیر می توانند در نهایت آرامش، در کنار هم، به

^۳. پورتیوس، داگلاس، رفتار و محیط، ص ۷۲.

زندگی پراحساس ادامه دهند.

دین به عنوان نیازی اجتماعی

ارزش از بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه و عمل فرد و همچنین شکل گیری حیات اجتماعی اوست.^۴ ارزش های اجتماعی از اساسی ترین عناصر نظام اجتماعی هستند که از طریق کنترل و هدایت آن ها می توان جامعه را به زوال یا تعالی کشاند.^۵ ارزش های مذهبی یکی از انواع ارزش ها در جامعه است و تجلی آن در همه ی جوامع به یک شکل خاص نیست. به نظر می رسد توجه به امر مقدس در همه ی زمان ها وجود داشته است. دین مفهومی است که می توان برای آن ابعادی مختلف قائل شد. برخی دانشمندان علوم اجتماعی، دینداری یا وابستگی به مذهب را دارای حداقل دو بعد (اجرای قوانین مذهبی و اعتقادات مذهبی) دانسته اند. اجرای فرایضی نظیر نماز، روزه و انجام مناسک گوناگون مذهبی در مسجد با مشاهدات علمی آشکار می گردد. اعتقادات مذهبی نیز از طریق پاسخگویی به سؤال های عقیدتی کشف می شود.^۶

مناسک مذهبی و دینی با توجه به نیازهای اجتماعی هستند و دین واقعیتی اجتماعی است. وقتی شخصی به دین عمل می کند یا در مکانی مذهبی چون مسجد حضور می یابد، در واقع حس همبستگی، خوداتکایی به گروه و بودن در جامعه را نشان می دهد. دین زبان مشترک اخلاقی جامعه و امری است که در تثبیت اوضاع نقشی مهم دارد. دورکیم معتقد است که برای بقا در جامعه باید عاملی درون فرد فرد اعضای جامعه باشد و این عامل مذهب و دین است. مذهب و دین درون افراد احساسی اخلاقی به مصالح اجتماعی پدید می آورد؛ بنابراین مکانیسمی است که سازمان اجتماعی را حفظ می کند.^۷

مسجد مهم ترین نهاد در ساختار زندگی اجتماعی

خانواده مؤثرترین عامل حفظ هویت دینی و ایمان فردی است و در میان اعضای خانواده مادر (البته با حمایت پدر خانواده)، بیش از هر فرد دیگری، مستقیماً در هویت دینی فرزندان نقش و مسئولیت دارد. با این حال، نقش مسجد به عنوان مددکار خانواده اهمیت زیادی دارد. به دیگر سخن، با وجود اینکه مهم ترین اجتماع در ساختار زندگی اجتماعی خانواده است؛ اما مسجد نیز به عنوان مرکز تأمین کننده ی آموزش های

۴. ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۹۰۹.

۵. رفیع پور، ۱۳۷۸، ص ۲۶۷.

۶. طالبیان، نمایه ی پژوهشی، ص ۱۲۲.

۷. فراست خواه، ۱۳۷۷، ص ۱۴.

دینی و محل تجمع و همبستگی افراد نقشی مهم دارد. مسجد به افراد جامعه، به‌ویژه افراد ساکن در محلات، یادآوری می‌کند که مسلمان هستند و باید هویت و وحدت اسلامی را حفظ کنند.

در دین اسلام و نزد مسلمانان، مسجد اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا محلی برای ادای فریضه‌ی نماز، استماع خطبه‌های دینی و تشکیل کلاس‌های آموزش دینی است و همچنین، مکانی برای تجمعات اجتماعی و همیاری مسلمانان است؛ به‌ویژه برای برپایی مراسم مذهبی و جشن‌هایی به این مناسبت. در طول تاریخ تمدن اسلامی، مسجد و شهر همواره، در رابطه‌ای کل‌نگرانه، متضمن حیات یکدیگر بوده‌اند و رابطه‌ای متقابل، زنده و پویا داشته‌اند. مسجد همواره جزء لاینفک شهرها و محلات مسلمان‌نشین و عنصر تشکیل‌دهنده و هدایت‌کننده‌ی تغییرات در جامعه بوده است.

دین اسلام با سرعتی زیاد جغرافیای سیاسی دنیای باستان را متحول کرد و شهرنشین و بیابان‌گرد را در قالب امتی واحد گرد آورد. به‌طور کلی، مسجد نقشی محوری در بخشیدن هویتی خاص به شهرها داشته است. در اسلام، استعاره‌ی بیت‌الاسلام برای شهر اشاره‌ای است نمادین برای تقدس و حرمت بخشیدن به شهر؛ همچنان که مکه دارالامان است. باوری دیرین در همه‌ی بینش‌های توحیدی، به‌ویژه در دین اسلام، شهر را به‌گونه‌ای نمادین محل و عامل ارتباط بشر با جهان هستی و کیهان می‌داند. اسلام شهر را جایی می‌داند که در آن انسان تعادل خویش را میان جسم، روح، زمین و آسمان کسب می‌کند. از این رو، شهرهای باستانی با الگوهای نمادین برگرفته از هندسه‌ی مقدس‌ساخته می‌شدند که بیانگر نظم جهان هستی بود. درحقیقت، هر شهر محوری است از تجمع ارزش‌هایی که تمدنی را می‌سازند و در نتیجه تصویر جهان را (براساس جهان‌بینی) به‌وجود می‌آورند. تصویر جهان در شهرهای اسلامی، براساس پیوند زندگی مادی و معنوی، به رابطه‌ی جدانشدنی اقتصاد، سیاست و مذهب اشاره دارد و براین اساس، هویت ویژه و متماز خود را می‌سازد.^۸

نقش تعاونی و اجتماعی مسجد

وحدت اجتماعی عنصری اساسی است برای سلامت هر جامعه‌ای. مسجد در تحکیم این عنصر اساسی نقشی مهم دارد. در چنین کانونی، زن و مرد و بزرگ و کوچک، با افکار و سلیق مختلف، همه در یک جا گرد می‌آیند و همراه و دوش‌به‌دوش یکدیگر می‌ایستند. حضوری این چنینی وحدت و همدلی را در

^۸. بمان، شهر اسلام، ص ۷ و ۹۷.

جامعه استوار می‌کند. بر پایه‌ی چنین ترسیمی از مسجد است که خداوند متعال پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را از اقامه‌ی نماز و حضور در مسجدی بر حذر می‌دارد که به وحدت جامعه‌ی اسلامی آسیب می‌زند.

یکی از مهم‌ترین علل تأکید پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه‌ی معصوم (علیهم‌السلام) برای حضور مسلمانان در نماز جماعت، ایجاد روحیه‌ی تعاون میان آن‌ها و افزایش بعد اجتماعی در کنار انجام اعمال عبادی است. از آغاز اسلام، علاوه بر پرداختن به وظایف دینی و الهی، از مسجد استفاده‌های دیگری نیز می‌شده است. این کار حتی پیش از هجرت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه نیز صورت می‌گرفته است. مردم برای بحث در خصوص مسائل روز و انجام دیگر فعالیت‌های خود گرد کعبه جمع می‌شدند و با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بحث و گفت‌وگو می‌کردند. با احداث مسجد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مدینه، مردم از این مؤسسه‌ی جدید به‌عنوان مرکز اجتماع استفاده می‌کردند.

در حال حاضر، مسجد از سه طریق اجتماعی، سیاسی و آموزشی به مراجعان خود خدمت می‌رساند. به دلیل دسترسی آسان، مسجد محلی مناسب است برای برگزاری مراسم گوناگون عبادی و مذهبی و اجتماعات محلی. مسجد نقشی مهم در شکل مسلمانان دارد و می‌تواند همواره و در هر عصری این نقش را ایفا کند. از این رو، مسجد به‌طور طبیعی و بی‌آنکه به امکاناتی ویژه نیاز داشته باشد می‌تواند زمینه‌ی پی‌ریزی و ایجاد تشکیلات طبیعی و سالم را فراهم آورد. تشکلی که در پرتو مسجد پدید می‌آید از بسیاری آفت‌ها و مخاطراتی دور می‌ماند که معمولاً گریبان‌گیر احزاب و گروه‌های سیاسی است. برای عضویت در چنین تشکلی محدودیت‌هایی وجود ندارد که معمولاً از باورهای خودمدارانه ریشه می‌گیرد و هر مسلمان مؤمنی می‌تواند در این تشکل شرکت جوید. حضور افراد گوناگون در مساجد، به‌ویژه مساجد محله‌ای، سبب می‌گردد تا این تشکل ریشه‌دار شود.

نقش تعاونی و اجتماعی مساجد در ایران، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیار فعال بوده است. فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه، جمعیت‌های خدمت و رسیدگی به مستمندان و بیماران، جمعیت‌های حمایت از معلولان، گروه‌های تهیه و تدارک تجهیزات، صندوق‌های کمک به امر ازدواج و درمانگاه‌های ویژه‌ی بیماران سرپایی در مساجد همه و همه نشان‌دهنده‌ی اعتبار و میزان اهمیت کارکرد اجتماعی مساجد است. همچنین، مساجد در توسعه‌ی زندگی مردم، حتی در وضعیت کمبود منابع، نقش داشته‌اند. در این راستا، مساجد با انگیزه‌سازی روحیه‌ی خودیاری و انجام امور داوطلبانه را در مردم افزایش

می دهند.

امروزه، با وجود گسترش شهرنشینی، افزایش جمعیت شهرها، صنعتی تر شدن مراکز و محلات شهری و کم رنگ تر شدن ارتباطات اجتماعی نفوذ اجتماعی مساجد اهمیت زیادی پیدا کرده است. به دلیل داشتن چنین کارکردی نمی توان مسجد را با دیگر عبادتگاه های مذهبی مقایسه کرد. امروزه، کلیسا حق دخالت در امور اجتماعی جوامع، حتی در سطح محله ای و منطقه ای را ندارد. از این رو، مسیحیان در هفته یک روز به کلیسا می روند؛ اما با خروج از آن مکان، رابطه ی مسیحیت و کلیسا با دنیای اجتماعی قطع می شود. این در حالی است که در دین اسلام، نخستین سنگ بنای جامعه ی اسلامی با احداث مسجد بنیان نهاده شد.

مسجد کانون اجتماعات محلی

مسجد فقط محل برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری نیست؛ بلکه پذیرای مسائل و مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت، مذاکرات و تصمیم گیری های اقتصادی و تجاری و امور مربوط به خانواده نیز است. در اینجا است که زمینه ی ایجاد اخوت اسلامی فراهم می گردد. فلسفه ی اساسی تأسیس مسجد در محله ها و شهرها تحقق همین امر است. به دیگر سخن، مسجد فقط مکانی برای انجام فریضه ی نماز و دیگر مراسم مذهبی نیست و کانون اجتماعات مسلمانان نیز است. در حال حاضر، اجتماعات محله ای نخست با حضور افراد محله در مساجد محلی و دیگر فعالیت های جمعی مشابه رشد می کند و به مرور زمان به بلوغ می رسد.

آسیب شناسی نقش اجتماعی محلات

تا سه دهه ی پیش، در بیشتر شهرها، محلات اعتباری خاص داشتند. این در حالی است که طی سه دهه ی اخیر، محلات شهری به صورت جزیره هایی در دریای فرهنگ ملی جوامع و خرده فرهنگ های شهری درآمده اند. تغییرات سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی از اعتبار محله به عنوان عاملی مهم در زندگی اجتماعی فردی کاسته است. در گذشته، محلات جدید شهری از نسلی تشکیل می شد که یا از حوزه های روستایی آمده بودند یا از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای پر جمعیت. این عده معمولاً در محلاتی معین جای می گرفتند. توسعه ی شبکه های تلویزیونی، افزایش میزان سواد، حمل و نقل شهری و جابه جایی افراد در فضای شهری سابقه ی ده ها سال اقامت خانواده ها در محلات معین را متزلزل کرد. معیارهای محله نشینی، که بر پایه ی مذهب، قوم و شغل بود، شکسته شد. گسترش خطوط تلفن و افزایش حمل و نقل با

ماشین‌های شخصی مشکلات فاصله را از میان برد و افراد و خانواده‌ها را به گوشه‌های مختلف شهری
کشاند. همه‌ی عواملی که نام برده شد در کاهش ارزش‌های محله‌ای بسیار مؤثر بود.^۹

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

^۹. پورتیوس، داگلاس، محیط و رفتار، ص ۸۵.